

جغرافیای انتخابات و نقش عوامل انگیزشی و منابع اجتماعی بر مشارکت سیاسی
شهروندان (مطالعه موردی: انتخابات مجلس شورای اسلامی شهر شاهر)

محمد رئوف حیدری فر (استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

amirhidry123@pnu.ac.ir

پرویز سلیمانی مقدم (استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

parvizm@yahoo.com

اقبال پاهکیده (عضو هیئت علمی گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

eghbalpahkideh@gmail.com

نظیر مرادی (کارشناسی ارشد علوم سیاسی، فرمانداری روانسر، کرمانشاه، ایران)

Doi: pg.v3i10.81709/10.22067

چکیده

مشارکت سیاسی پیامدهای دو سویه دارد؛ زیرا در یک معنا فقدان مشارکت و انفعال به این مفهوم است که دولت از منافع بالقوه ای که باید در خدمت آن قرار گیرد بی نصیب می گردد و از سوی دیگر، مشارکت زمانی مؤثر واقع می شود که تغییراتی بنیادی در اندیشه و عمل به وجود آیند. بنابراین، ایده‌های مطلوب مربوط به مشارکت یک نقطه مشترک دارند و آن بهاء دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم گیری‌های سیاسی و دسترسی آن‌ها به منافع قدرت است. در این راستا پژوهش حاضر با هدف نقش عوامل انگیزشی و منابع اجتماعی در مشارکت در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی در میان شهروندان شهر شاهر و با استفاده از سطح خرد "الگوی نظری مشارکت سیاسی نوریس" انجام شده است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است، داده‌های مورد نیاز از طریق منابع اسنادی و پرسشنامه گردآوری و با استفاده از نرم افزار Spss و با به کارگیری آزمون‌های کای اسکوئر، و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شده است. جامعه آماری مورد مطالعه تمامی شهروندان شهر تازه تاسیس شاهر بوده که در این میان ۱۰۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به روش سهمیه‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که مهم‌ترین عوامل انگیزشی اعلام شده از سوی پاسخ‌دهندگان برای مشارکت در انتخابات به ترتیب عبارتند از: مخالفت با جناح یا کاندیدای رقیب، بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم، ادای دین به شهیدان و خانواده آنان و احساس مسئولیت نسبت به کشور است. از میان

منابع اجتماعی مورد بررسی رابطه معناداری بین شغل و رأی دادن افراد، شغل و انگیزش، تحصیلات و علاقه به سیاست، میزان اعتماد سیاسی افراد وجود دارد.

واژگان کلیدی: جغرافیای سیاسی، منابع اجتماعی، مشارکت سیاسی، جغرافیای انتخابات، شهر شاهر.

بیان مسئله

انتخابات و تحلیل رفتار انتخاباتی مردم در یک کشور یا یک منطقه جغرافیایی به عنوان یک رفتار سیاسی، در حقیقت یکی از پیچیده ترین مسائلی است که توجه اندیشمندان را در رشته های مختلف علوم سیاسی، روانشناسی و جامعه شناسی به خود جلب کرده است (Kalantari, 2001:166). رأی دهی و مشارکت در انتخابات رایج ترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم سالار است. به عبارتی رأی دادن مؤثرترین و عملی ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره عمومی و اجتماعی اعمال نمایند. این امر یک نوع سازوکار اجتماعی برای جمع آوری و تشخیص گزینه ها و ارجحیت های اجتماعی است. اساسی ترین عملکرد مشارکت رأی دهی، فرصت برای جانشینی و انتقال پست ها و مسئولیت ها در جامعه می باشد. با توجه به این نکات، مطالعه و تحلیل رفتار رأی دهندگان از مباحث مهم جامعه شناسی سیاسی است. این نوع مشارکت همراه با عضویت در احزاب و انجمن های سیاسی، کار و فعالیت تبلیغاتی برای نامزدهای انتخاباتی، تماس با مسئولان با مقامات سیاسی و انواع فعالیت های اطلاع رسانی و ارتباطی مثل ارائه سخنرانی های انتخاباتی، تلاش برای اقناع شهروندان دیگر به رأی دادن به نامزدهای انتخاباتی و غیره از اشکال متعارف (قانونی) مشارکت سیاسی است (Robert Hughes, 1986: 293). از آنجا که میزان مشارکت شهروندان در انتخابات یکی از شاخص ها، میزان مشروعیت نظام سیاسی در بسیاری از کشورهاست، نظام حکومتی ما بر حضور حداکثری مردم در انتخابات تأکید می کند. حکومتی که بتواند بیشترین مشارکت در انتخابات را جلب کند نه تنها در عرصه داخلی بلکه در عرصه بین المللی نیز می تواند از موضع مقتدرانه برخوردار باشد. مشارکت حداکثر مردم در انتخابات بستری برای اعتماد به نفس مسئولان سیاسی و مستخبان مردم فراهم می کند که بتوانند در اداره امور کشور، رأی مردم را پشتیبان تصمیم های خود بدانند (Attarzadeh&Tavassoli, 2011:183). با توجه به اینکه هیچ انسانی به مجرد انسان بودنش خالی از خطا و اشتباه نیست، حاکمان نیز از این امر مستثنی نمی باشند. برای آنکه اشتباه حاکمان به حداقل برسد ضروریست، از افکار و اندیشه ها و راهنمایی های توده ها و طبقات مختلف جامعه استمداد جویند همچنین مردم برای اینکه بتوانند در فرایندهای سیاسی مشارکتی فعال

داشته باشند و قدرت را نیز کنترل کنند فرایندی با نام انتخابات در یک نظام سیاسی حائز اهمیت می‌شود. انتخابات ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد. انتخابات سلسله اقدامات و عملیات منسجم و پیوسته‌هایی است که در یک محدوده جغرافیایی مشخص و در زمان محدود و معین صورت می‌گیرد و منجر به برگزیده شدن فرد یا افراد و یا موضوعی خاص از سوی اکثریت مردم می‌شود. انتخابات رایج‌ترین واژه سیاسی در کشورهای دموکراتیک و طبقه اصلی تعیین مقامات انتخابی است (Ziba Kalam & Muqtada, 2014:12). حضور مردم در انتخابات سراسری برای برگزیدن یک یا چند فرد و سپردن سرنوشت کشور به آنان برای مدتی معین، بیانگر حساسیت آنان به آینده خویش است. هر اندازه این حساسیت بیشتر و نتیجه مشارکت‌های قبلی ملموس‌تر باشد، حضور آن‌ها در دوره بعدی انتخابات افزایش می‌یابد (Alamdar, et al., 2016:816). در یک فرآیند دو جانبه بین مردم و نخبگان نهادینه شدن این فرهنگ که امکان شناخت و شناسایی آگاهانه همه نامزدها برای مردم بدون شنیدن نظر نخبگان امری دشوار است. بنابراین تصمیم‌گیری بر مبنای نظر و رأی افراد صاحب نظر و اعتماد به گروه‌های پیش‌گفته ما را به انتخاب آگاهانه نزدیک‌تر می‌کند. با توجه به مباحث مطرح شده و اهمیت موضوع در این زمینه پژوهش حاضر در این راستا و با توجه به عوامل مختلفی مانند: تحصیلات، درآمد، دین‌داری، اعتماد سیاسی، علاقمندی به سیاست، اثربخشی سیاسی درونی (کفایت سیاسی) و مهارت‌های مشارکتی به عنوان منابع اجتماعی و انسجام ملی، احساس تکلیف شرعی، احساس مسئولیت نسبت به کشور، پیروی از مقام رهبری برای شرکت در انتخابات، ادای دین به شهیدان و خانواده آنها، بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم، رضایت از وضع موجود و تمایل به تداوم آن، مخالفت با جناح یا کاندیدای رقیب، مهرخوردن شناسنامه، عادت به رأی دادن، فشارهای محیط کار و فشار خانواده و اقوام، به عنوان عوامل انگیزشی پژوهش در شهر شاهرود مورد ارزیابی قرار گرفته است. به علاوه، در راستای فهم و درک آنچه که در پیرامون ما می‌گذرد جغرافیای انتخابات می‌تواند موثر باشد. در واقع، جغرافیای قدرت، بازیگران سیاسی تأثیرگذار، حوزه‌های انتخابیه و ... در چارچوب بحث‌های جغرافیایی انتخابات قابل فهم می‌باشد. بنابراین سوال اساسی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که؛ عوامل انگیزشی و منابع اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان شهر شاهرود در انتخابات مجلس شورای اسلامی کدامند؟ آیا عوامل انگیزشی و منابع اجتماعی بر مشارکت در انتخابات در میان

شهروندان شهر شاهو تأثیر گذار بوده است و اینکه ارتباط این متغیرها بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر شاهو چگونه است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش تحقیق پیمایشی؛ و با هدف نقش عوامل انگیزشی و منابع اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان شهر شاهو در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه شهرستان روانسر انجام شده است. این شهر یکی از شهرهای تازه نوظهور منطقه اورامانات (شهرستان‌های روانسر، پاوه، جوانرود و ثلاث باباجانی) است که قبلاً به لحاظ تقسیمات کشوری بخشی از شهرستان پاوه و در سالهای اخیر در محدوده شهرستان روانسر قرار گرفته است. به دلیل تغییراتی که در تقسیمات کشوری ایجاد شده و نیز ساختار و تنوع قومی، فرهنگی-اجتماعی حاکم بر آن و نیز ترکیبی از افکار و اندیشه‌های سیاسی به عنوان نمونه موردی این پژوهش مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. در واقع، این شهرستان آزمایشگاهی جغرافیایی-سیاسی از رهیافت جغرافیای انتخابات می باشد و می تواند به شکل چکیده‌ای از تنوعات موجود در منطقه به لحاظ موقعیت جغرافیایی آن مدنظر قرار گیرد. رویکرد مد نظر در این تحلیل استفاده از سطح خرد "الگوی نظری مشارکت سیاسی نوریس" و نقش عوامل انگیزشی و منابع اجتماعی بر مشارکت در انتخابات در این شهر است. داده‌های مورد نیاز از طریق منابع اسنادی و میدانی که در آبان و آذر ۱۳۹۶ در سطح این شهر انجام شده، گردآوری شده است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز پرسشنامه‌ای طراحی شد که به کمک آن بتوان سطح خرد در مدل نوریس را اندازه‌گیری کرد. منابع اجتماعی مورد نظر نوریس از قبیل سطح تحصیلات، درآمد، دین داری، اعتماد سیاسی، علاقه مندی به سیاست، اثر بخشی سیاسی درونی و مهارت‌های مشارکتی به عنوان مرکز ثقل پرسشنامه قرار گرفت. در واقع این منابع اجتماعی کیفیت یا موقعیتی است که فرد در جامعه در طول زمان کسب کرده و او را برای انجام برخی امور توانمند ساخته است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار Spss و آزمون‌های کای اسکوئر، و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه تمامی شهروندان شهر تازه تاسیس شاهو بوده که حدود ۳۷۰۰ نفر جمعیت دارد تعداد نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران با دقت برآورد $d=0.05$ و حداکثر واریانس $= 0.25$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد، به تعداد ۱۰۰ نفر به روش سهمیه‌ای انتخاب شده‌اند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز عوامل زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱. فراوانی متغیرهای اصلی مانند (جنس، شغل، تحصیلات، سن، میزان علاقه به سیاست، میزان دینداری، میزان فعالیت، کفایت سیاسی، اعتماد سیاسی و عوامل انگیزشی) ارائه شده است.

۲. در قسمت دوم رابطه متغیرهای اصلی با هم را بر اساس فرمول کای اسکویر یا خی دو همراه با سطح معناداری آنها ارائه شده است.

۳. در مرحله سوم از فرمول کورولیشن یا همبستگی، ارتباط و همبستگی چند متغیر اصلی دو به دو با هم ارائه شده است.

مبانی نظری پژوهش

تعاریف و مفاهیم

مشارکت سیاسی

از دیرباز مشارکت یکی از اساسی‌ترین صورت‌های روابط اجتماعی بوده و به عنوان یکی از محورهای موضوعی در جامعه‌شناسی تلقی شده است (Boix and Stokes, 2009: 28). مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنش‌گر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف نموده‌اند. فرایندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آنها در منابع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند. مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت از شاخص‌های توسعه اجتماعی^۱، توسعه فرهنگی^۲ و توسعه سیاسی^۳ در کشورها به شمار می‌رود و از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است (Abdullahi, 2011:418). مشارکت شامل فرایندی است که در برگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاران بر تصمیم‌گیری در باره امور عمومی است. مشارکت مستقیم مردم در قانون‌گذاری، خالص‌ترین و واقعی‌ترین جنبه مشارکت و عالی‌ترین جلوه حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت زندگی سیاسی و اجتماعی خود است و از شرط‌های لازم دموکراسی می‌باشد (Veysi, 2013:118-119). در واقع، مفهوم مشارکت سیاسی درگیری فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام سیاسی است (Hafeznia&

1. Social Development
2. Cultural Development
3. Political Development

از دیدگاه وینر^۱ مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران، سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر حکومت محلی و ملی است (Weiner, 1971: 164). در یک معنای کلی و با توجه به تعاریف بالا، مشارکت سیاسی را می‌توان چنین تعریف کرد: فعالیت‌های داوطلبانه و آزادانه اعضای یک جامعه (چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی) در امور حکومتی و سیاسی، که باهدف تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌های سیاسی کشور صورت می‌گیرند و این فعالیت‌ها ممکن است حمایت از سیاست‌های موجود مقامات دولتی، و یا ساختار نظام باشد و یا ممکن است به دنبال تغییر وضع موجود در نظر گرفته شود (Oneill, 2014: 37). به عبارتی مشارکت سیاسی به معنی شرکت در اعمال قدرت است؛ اعمال قدرتی که قرن‌ها در دست گروه‌ها یا طبقات اجتماعی معینی بوده است و مردم در فرایندهای سیاسی جامعه خود نقشی نداشتند (Saeedi, 2003:12).

منابع اجتماعی

منابع عبارت است از هر چیزی که بتواند از سوی افراد، گروه‌ها یا ملت در تعقیب اهدافشان استفاده شود. منابع تنوع نامحدودی دارند. وقت، پول، شغل، تحصیلات، مالکیت زمین، درآمد، شهرت و ... منابع آشکاری هستند. رابرت دال در مطالعه درباره شهر نیویورک در آمریکا، اهمیت موقعیت اجتماعی را به عنوان منبعی در تصمیم‌گیری اجتماعی نشان داده است. به عبارت دیگر، منابع اجتماعی فرد، کیفیت یا موقعیتی است که فرد در جامعه در طول زمان کسب کرده و او را برای انجام برخی امور توانمند ساخته است (Abdulmutallab, 2017:37).

عوامل انگیزشی

انگیزه‌ها عوامل محرک رفتار انسان در رسیدن به اهداف یا دنبال کردن خواسته‌ها، آرزوها و کنش‌های درونی فرد شمرده می‌شوند؛ بنابراین، بر شکل‌گیری انگیزه‌های انسان، هم‌کشش‌های درونی و هم‌انواع عوامل بیرونی ناشی از یادگیری اجتماعی یا جامعه‌پذیری می‌تواند دخیل باشد (Abdulmutallab, 2017:38). انگیزه‌های شرکت در امور یا فعالیت‌های سیاسی را باید به شمار آورد. انگیزه‌های شرکت در فعالیت‌های سیاسی و از جمله رأی دادن می‌تواند از نوع عاطفی باشند. برای نمونه، فرد ممکن است بنا به حس وظیفه‌شهروندی، میهن‌پرستی یا تکلیف شرعی به پای صندوق رأی برود. از سوی

1. Weiner

دیگر، انگیزه های مشارکت سیاسی، از جمله رأی دادن می تواند ابزاری و یا به عبارت دیگر، مبتنی بر فایده مورد انتظار از فعالیت یادشده باشد. البته افزون بر انگیزه های ابزاری شخصی، می توان از انگیزه های ابزاری گروهی مانند سود و زیان گروه قومی یا صنفی و انگیزه های ابزاری ملی که سود و زیان ملی است نیز نام برد (Darabi, 2009:71).

انتخابات و جغرافیای انتخابات^۱

در فرهنگ لغت آکسفورد انتخابات^۲، " فرایند گزینش عضوی از هیئت تقنینی از طریق رأی " تعریف شده است (Martin, 2003: 168). انتخابات مجرای ارتباطی میان حکومت کنندگان و مردم تحت لوای حکومت هستند. انتخابات دارای عملکرد متفاوتی است. انتخابات شرایط را برای کنترل مردمی مهیا می سازند و متضمن آن هستند که اداره کنندگان کشور مشهور و مقبول ترین افراد هستند (Taylor, 2007:137). انتخابات در نظامهای دموکراتیک، سه کارکرد اساسی دارد که عبارتند از: تعیین حکومت گران، تعیین سیاست های کلی حکومت و گرایش های سیاسی و سرانجام، اعطا یا سلب مشروعیت از قدرت عمومی یعنی حکومت است (Kaviani Rad, 2014: 486). در عصر حاضر یکی از مظاهر اصلی دموکراسی و مردم سالاری، انتخابات است. دموکراسی بدون برگزاری انتخابات ممکن نیست و کشوری که انتخابات نداشته باشد در حقیقت فاقد دموکراسی است. در واقع، با شکل گیری دموکراسی و توسعه حق رای همگانی، انتخابات به عنوان یکی از مهمترین جلوه های زندگی سیاسی در دنیای امروز درآمده است. اهمیت انتخابات به حدی است که امروزه در جغرافیای سیاسی شاخه مستقلی با عنوان جغرافیای انتخابات به وجود آمده است. به عبارت دیگر، جغرافیای انتخابات در حقیقت کاربست جغرافیای سیاسی در نتایج انتخاباتی بر حسب حوزه های اداری است (Zarqani & Badakhshan, 2017:106). در واقع، رویکردی جغرافیایی به مقوله دموکراسی و انتخابات، که در آن الگوهای رفتار سیاسی شهروندان که برخاسته از تنوع نگرش و مطالبات آنها از ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، حقوقی حاکم است به صورت نقشه در می آید و مورد بررسی قرار می گیرد (Baei & Pishgahifard, 2010: 59). در این میان، جغرافیای انتخابات به عنوان دیرپاترین و در عین حال پویاترین گرایش جغرافیای سیاسی از زمان طرح این دانش واره (۱۹۱۳) توسط آندره زیگفرید^۳ فرانسوی تا کنون در چهارچوب مفاهیم گوناگون نظری و کاربردی در خدمت قلمرو داری

1. Electoral Geography
2. Election
3. André Siegfried

به عنوان بُعد کاربردی جغرافیای سیاسی بوده است (KavianiRad&Gharabegi,2017:13). جغرافیای انتخابات، رویکردی جغرافیایی به مقوله دموکراسی و انتخابات که در آن الگوهای رفتار سیاسی شهروندان که برخاسته از تنوع نگرش و مطالبات آنها از ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، حقوقی حاکم است به صورت نقشه در می آید و بررسی می شود. برخی از پژوهشگران، جغرافیای انتخابات زیر مجموعه علوم اجتماعی دانسته اند؛ برخی نیز مدعی اند که جغرافیای انتخابات صرفاً تنوع در تصمیم و رأی دهندگان در گستره یک ناحیه است. گروهی نیز تبیین می کنند که جغرافیای انتخابات بررسی تفاوت های فضایی در رفتار سیاسی یا بررسی جغرافیای انتخابات است (KavianiRad,2013:36). به عبارتی، مطالعات مربوط به جغرافیای انتخابات جنبه های سازمان دهی، هدایت و نتایج انتخابات را مدنظر قرار می دهد. به دلیل اینکه رأی دهی در انتخابات ملی و محلی اغلب به صورت اجتناب ناپذیری مکانی می باشد و مردم به اجبار در ناحیه ای خاص رأی می دهند و نتایج نیز برای آن مردم انتشار می یابد؛ حجم عظیمی از اطلاعات و داده ها می تواند موضوع تحلیل های جغرافیایی (فضایی) باشد (Gregory at al, 2009: 187). به عبارت دیگر، عامل جغرافیایی رأی دهی از نظر فرهنگ منطقه ای و داخلی متفاوت بوده تغییرات فضایی را در حمایت از گروه ها و احزاب سیاسی مختلف نشان می دهد (Pishgahifard& Sharifi,2011:1269).

رفتار انتخاباتی

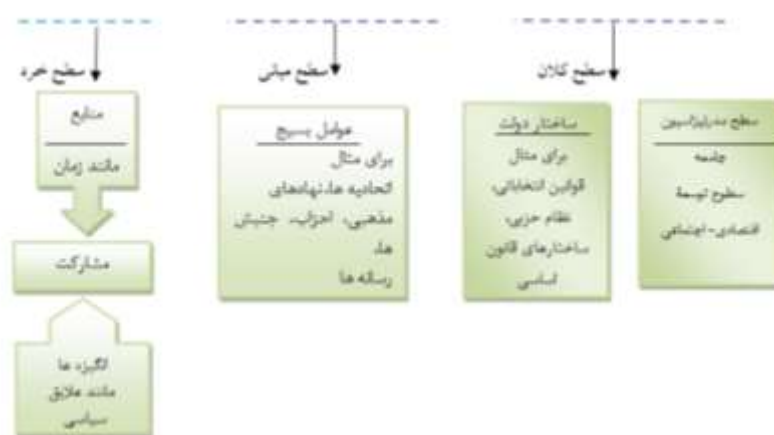
آنچه نقش تعیین کننده در نتایج انتخابات دارد، رفتار انتخاباتی شهروندان است که به عنوان کنشی سیاسی، در فرهنگ جامعه ریشه دارد و فرهنگ سیاسی هر جامعه ای برپایه فرهنگ عمومی آن شکل می گیرد؛ بنابراین در بررسی و تحلیل رفتار انتخاباتی، نقش عوامل فرهنگی و ساختار اجتماعی اهمیت بسیار دارد (Akbari& Fakhari,2017:2) (Jafari Nejad,et al.,2011: 162). به عبارت دیگر رفتار انتخاباتی مردم تبیین گر تقاضاها و خواسته های سیاسی و اجتماعی آنها می باشد که می تواند دیدگاه ها و نگرش های موجود را به کاندیدا نمایندگی، تفهیم کند. البته ویسر معتقد است که پس از چندین دهه پژوهش درباره رفتار رأی دهی هنوز چارچوب نظری استواری برای مطالعه این نوع مشارکت سیاسی وجود ندارد اما می توان به مجموعه ای از دیدگاه های نظری اشاره کرد که هر کدام جوانی از رفتار انتخاباتی مردم را تبیین می کنند (Imam Jomezadeh, et al., 2013:29). علاوه بر سازمان های دولتی که مسئولیت برگزاری انتخابات یا تأمین امنیت جامعه را برعهده دارند، احزاب و فعالان سیاسی نیز برای تحلیل رفتار انتخاباتی مردم، پیش بینی و تخمین نتیجه انتخابات و برنامه ریزی واقع بینانه برای فعالیت انتخاباتی و تبلیغاتی خود، به

مطالعه رفتار رأی دهی شهروندان و عوامل موثر بر سازوکار تصمیم‌گیری آنان علاقه‌مند بوده‌اند (Sadeghi, 2015:90). یافته‌های موجود نشان می‌دهد در فرایند انتخابات لابی‌ها، رایزنی‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی، نظامی، مالی و تبلیغاتی کوشیده‌اند جدای از فرایند معمول مشارکت سیاسی و رأی دهی در انتخابات و گزینش نمایندگان، ادراک محیطی شهروندان را متناسب با مطلوب‌ها و منافع خود جهت دهند؛ وضعیتی که جانستون از آن با نام جغرافیای قدرت یاد می‌کند. بدین مفهوم که پول و نفوذ فرد داوطلب در اشکال خرید آراء، دست کاری مرز حوزه انتخاباتی برای اثرگذاری در نتایج انتخابات، نمایش‌های عوام‌فریبانه، بداخلاقی‌های انتخاباتی مانند شایعه‌پراکنی، به‌کارگیری امکانات نهادها و سازمان‌های دولتی و گاه نیروی نظامی و انتظامی (به‌ظاهر بی‌طرف) ظاهر می‌شود (KavianiRad&Gharabegi, 2017:275). رأی دهی و مشارکت انتخاباتی بارزترین شکل مشارکت سیاسی و در عین حال تعیین‌کننده‌ترین صورت آن است. مشارکت انتخاباتی عمدتاً ارتباط سطحی و گذرای افراد با دنیای سیاست توصیف می‌شود (Amini, 2015:160).

مدل تحلیل متغیرهای اثرگذار بر مشارکت سیاسی

با توجه به تعدد و تنوع رویکردها و نظریات درباره مشارکت سیاسی، یکی از روشها برای تبیین مشارکت سیاسی و مشارکت رأی دهی به طور اخص، سطح بندی متغیرها و عوامل دخیل مطرح شده در تبیین مشارکت سیاسی است. در این روش نوعاً به دو دسته عوامل خرد (فردی) و عوامل کلان در تبیین مشارکت سیاسی و به ویژه مشارکت رأی دهی اشاره شده است (Abdulmutallab, 2017:37). در مقاله حاضر مدل تحلیلی پیا نوریس را برای دسته بندی متغیرهای دخیل در مشارکت رأی دهی - که در اصل برای مشارکت سیاسی به طور اعم طراحی شده - به کار رفته است. وجه تمایز پیا نوریس در توجه به متغیرها و عوامل دخیل در مشارکت سیاسی آن است که او از سه دسته نظریات کلان، متوسط و خرد در تبیین مشارکت سیاسی نام برده است (Norris, 2002: 2). در مدل نوریس در سطح «کلان» دو مجموعه از نظریات مطرح شده است. در گروه اول، ساختار دولت در یک جامعه، تعیین‌کننده نوع و سطح مشارکت شهروندان است. منظور از ساختار دولت، ساختارهای قانون اساسی، نظام حزبی، قوانین و نظام انتخاباتی و مانند آن است. دسته دیگر از نظریات کلان بر فرایند مدرنیزاسیون تأکید دارد که سبب تغییر جنبه‌های گوناگون حیات جوامع گشته است. برخی از این تحولات عبارتند از: ارتقای سطح زندگی، رشد بخش خدمات، افزایش سطح سواد و فرصتهای آموزشی، تغییر مناسبات اقتصادی از سنتی به مدرن و گسترش طبقه

متوسط، تخصصی شدن حرفه‌های مختلف، افزایش دسترسی به رسانه‌های جمعی، رشد دیوانسالاری، و افزایش ورود زنان به بازار کار. در «سطح میانی» که نوریس از آن تحت عناوین نظریات سازمانی یا نظریات عوامل یا کارگزاران بسیج یاد می‌کند، مشارکت سیاسی شهروندان با توجه به نقش عوامل بسیج اجتماعی و سیاسی و شبکه‌های اجتماعی در فعال‌سازی و بسیج شهروندان تبیین می‌شود. مهمترین عوامل و کارگزاران بسیج عبارتند از: احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری و صنفی، کلیساها و مراکز مذهبی، انجمن‌های داوطلبانه و رسانه‌های خبری. بر اساس این نظریات، تفاوت‌هایی که در نوع و سطح مشارکت سیاسی در کشورهای دارای نظام‌های دموکراتیک مشابه دیده می‌شود، بر اساس میزان نقش آفرینی کارگزاران بسیج اجتماعی و سیاسی قابل تبیین است. در «سطح خرد» در مدل نوریس به دو «نظریه منابع» و «نظریه انگیزش» اشاره شده است. در نظریه منابع این عقیده مطرح است که افراد برخوردار از منابع بیشتر، سطوح بالاتری از مشارکت سیاسی را از خود نشان می‌دهند. این منابع ممکن است مادی یا معنوی باشد، ولی هر چه میزان منابع در اختیار افراد افزایش یابد، امکان مشارکت آنان نیز افزایش پیدا می‌کند. از مهمترین منابع تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی می‌توان به تحصیلات، درآمد، زمان آزاد، ارتباطات و مهارت‌های سازمانی اشاره کرد. در نظریه انگیزش عوامل انگیزشی متفاوت است و ممکن است دامنه آن از انگیزه‌های مادی تا انگیزه‌های ارزشی و نگرشی را دربرگیرد. صاحب‌نظران به طیف متنوعی از انگیزه‌های غیرمادی اشاره کرده‌اند که مهمترین موارد آن عبارتند از: علاقه به سیاست، احساس اثربخشی، احساس وظیفه (مدنی، ملی یا دینی)، اعتماد سیاسی و ارزشهای سیاسی افراد (Norris, 2002: 12).



نمودار ۱. مدل نوریس در تحلیل مشارکت سیاسی (نوریس، ۲۰۰۲: ۱۲).

چارچوب مفهومی

به دلیل وجود محدودیت، در این پژوهش تنها به سطح خرد، یعنی منابع اجتماعی و عوامل انگیزشی پرداخته شده است؛ واحد تحلیل ما فرد است و هدف «نقش عوامل انگیزشی و منابع اجتماعی در مشارکت سیاسی شهروندان شهر شاهو در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی است؛ از این رو، نظریه‌هایی مورد استفاده در این مقاله، "نظریه خرد نوریس" است از قبیل «سطح تحصیلات، درآمد، دین داری، اعتماد سیاسی، علاقه مندی به سیاست، اثر بخشی سیاسی درونی و مهارت های مشارکتی» به عنوان مرکز ثقل پرسشنامه قرار گرفت. که به تبیین مشارکت سیاسی رأی دهی اشاره دارد.

محیط شناسی تحقیق

استان کرمانشاه طبق آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵ بالغ ۱۹۸۵۴۰۰ نفر بوده است و وسعت ۲۵۰۸۱/۴۹ کیلومتر مربع با مرکزیت شهر کرمانشاه است. از لحاظ تقسیمات کشوری به ۱۴ شهرستان ۳۱ بخش ۳۲ شهر و ۸۶ دهستان تقسیم شده است؛ و قریب به ۳۷۰ کیلومتر با کشور عراق مرز مشترک دارد. شهرستان روانسر، با مرکزیت شهر روانسر با طول جغرافیایی ۴۶ درجه و ۴۰ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۴۳ دقیقه با ارتفاع متوسط ۱۳۶۰ متر از سطح دریا در یک موقعیت کوهستانی - دشتی قرار گرفته است. این شهرستان دارای دو بخش، مرکزی و شاهو و شش دهستان، ۱۳۱ روستای دارای سکنه و ۵ روستای خالی از سکنه هست (Maleki et al., 2017:16).

شهرستان روانسر با وسعتی حدود ۱۰۴۰ کیلومتر مربع در حدود ۵۵ کیلومتری شمال غرب کرمانشاه و در دامنه کوه یله‌ور (کوه شاهو) قرار دارد. آب و هوای آن نسبتاً سرد و مرطوب بوده و از میزان بارش سالانه چشمگیری برخوردار است. اقتصاد شهرستان عمدتاً متکی به کشاورزی و دامداری است. شهرستان روانسر یکی از شهرستانهای منطقه اورامانات (روانسر، پاره، جوانرود و ثلاث باباجانی) در استان کرمانشاه است. شهر روانسر مرکز این شهرستان است. از جمعیت ۴۷۶۵۷ نفری شهرستان روانسر ۳۷۰۰ نفر در شهر شاهو زندگی می‌کنند. شهر شاهو شهری جوان و تازه تأسیس که در سال ۱۳۸۷ از تلفیق دو روستای قشلاق و منصورآقایی تشکیل شده است و در حال حاضر جمعیت ساکن در این شهر حدود ۳۷۰۰ نفر است. تعدادی از مراکز اداری نظیر بخشداری، شهرداری و شبکه بهداشت در آن دایر است. کارکرد و نقش آن بیشتر در فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری است.



شکل ۱. نقشه موقعیت شهر شاهو در تقسیمات سیاسی استان کرمانشاه

جدول ۱. تعداد جمعیت، خانوار و شهرستانها و مراکز شهری منطقه اورامانات مطابق آمار سال ۹۵

ردیف	نام شهرستان	تعداد خانوار	جمعیت	مراکز شهری
۱	روانسر	۱۳۷۹۰	۴۷۶۵۷	روانسر - شاهو
۲	پاوه	۱۸۴۷۱	۶۰۴۳۱	پاوه - باینگان - نوسود - نودشه
۳	جوانرود	۲۰۵۹۲	۷۵۱۶۹	جوانرود - کلاش
۴	ثلث باباجانی	۹۲۷۰	۳۵۲۱۹	تازه آباد - ازگله

(Pakhideh, 2018:35)

یافته ها و تجزیه و تحلیل

یافته های توصیفی

با توجه تفاوت‌های موجود در رفتار رأی دهندگان و نیز تعداد عوامل دخیل در این امر سعی شد که افراد در مشاغل مختلف با سطح تحصیلات متفاوت برای ارزیابی انتخاب گردد. در جدول (۲) شغل، میزان تحصیلات، سن و جنس پرسش شوندگان آمده است:

۴۹ درصد پاسخگویان دارای شغل آزاد، ۱۸ درصد دانشجو و فارغ التحصیل، و ۲۳ درصد شاغل در دستگاه های دولتی بوده اند، در خصوص میزان تحصیلات پاسخگویان ۷۰ درصد بی سواد تا دیپلم بوده اند، ۲۴ درصد فوق دیپلم تا لیسانس و ۶ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده اند. در خصوص سن پاسخگویان نیز ۲۹ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۱۸-۲۹ قرار داشته اند، ۵۰ درصد در گروه سنی ۳۰-۴۹ و ۲۳

درصد نیز در گروه سنی ۵۰ سال به بالا قرار گرفته اند. در نهایت ۳۶ درصد پاسخگویان زن و ۶۴ درصد مرده بوده اند.

جدول ۲. شغل و میزان تحصیلات و سن پرسش شوندگان

عنوان ردیف	شغل	درصد	میزان تحصیلات	درصد	سن	تعداد	جنس	درصد
۱	آزاد	۰/۴۹	بی سواد تا دیپلم	۰/۷۰	۲۹-۱۸	۰/۲۷	زن	۰/۳۶
۲	دانشجو و فارغ التحصیل	۰/۱۸	فوق دیپلم تا لیسانس	۰/۲۴	۴۹-۳۰	۰/۵۰	مرد	۰/۶۴
۳	شاغل دستگاه‌های دولتی	۰/۲۳	فوق لیسانس و بالاتر	۰/۶	۵۰ سال به بالا	۰/۲۳	-	-

یافته های استنباطی

عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی شهروندان شهر شاهر در انتخابات مجلس شورای اسلامی

عوامل دینی و مذهبی

یکی از متغیرهایی که می تواند در مشارکت سیاسی و انتخاباتی مؤثر باشد مذهبی بودن و پایبندی افراد است. «نتایج برخی از پژوهش ها نشان می دهد که در درون فضای سیاسی-اجتماعی عامل دینداری نقش مهمتر و تأثیر بیشتری بر رویکرد سیاسی دارد» (Hoffman and Dowd, 2008). ساختار سنتی حاکم بر شهر شاهر، باعث شده است که اعتقادات دینی و مذهبی آن سینه به سینه و نسل به نسل انتقال پیدا کند و علمای دین به خوبی آن را حفظ کرده اند. واقعیت این است که اندازه گیری دین داری افراد بسیار پیچیده و دشوار است. اما رویکرد این پژوهش و هدف از بیان آن تنها یک بعد از ابعاد دین داری یعنی میزان پایبندی افراد به انجام تکالیف شرعی است. نتایج میدانی حاصل از پرسشنامه بیانگر این است که اکثریت پاسخ دهندگان (حدود ۶۹ درصد)، خود را به انجام تکالیف و واجبات شرعی مکلف می دانند. هر چند مشارکت سیاسی در دستورات دینی و مذهبی بر آن تأکید شده است. اما این عامل در در سالهای اخیر، دچار تفاسیر گوناگون افراد به ویژه افراد به ظاهر مذهبی و یا افراد با هدف دستیابی به منافع و مطامع شخصی دستخوش تغییراتی شده است. مجموعه این عوامل در کنار بی تعهدی و بد عهدی بعضی از نمایندگان ادوار سبب شده است که نقش عوامل مذهبی به مراتب کمتر از گذشته شود.

اثر بخشی سیاسی و اعتماد سیاسی

گسترش فناوری نوین، نقش پررنگ رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و شکل‌گیری فضای مجازی باعث شده است که ارتباط افراد با یکدیگر و نیز ارتباط با سایر جوامع به سرعت برقرار گردد. اغلب شهروندان این شهر با شیوه و کسب اطلاعات آن به خوبی آگاه هستند. اما دستیابی به این مجموعه وسایل آگهی بخشی به معنای مشارکت سیاسی حداکثری در انتخابات نیست. وسعت و دامنه فضای مجازی، عدم مدیریت جامع آن از به خاطر بالا بودن هزینه‌های مدیریت شبکه‌ها و سرعت عمل در انتقال اطلاعات سبب شده که به همان میزان افراد درصدد آگاهی بخشی هستند به همان میزان به تخریب آن اقدام کنند. برای سنجش اثر بخشی سیاسی یا کفایت سیاسی شهروندان شهر شاهره سؤالاتی از پرسش‌شوندگان مطرح گردید که نتایج آن در جدول (۳) آمده است.

جدول ۳. اثر بخشی درونی یا کفایت سیاسی پاسخ‌دهندگان

میزان اثر بخشی	کاملاً مخالف	مخالف	مردد	موافق	کاملاً موافق	بی پاسخ
سیاست‌آف‌قدر پیچیده است که افرادی مثل من نمی‌توانند از آن سر در بیاورند.	۰/۷	۰/۲۹	٪۶	۰/۲۱	۰/۳۳	۰/۴
فکر می‌کنم توانایی و اطلاعات کافی برای مشارکت در امور سیاسی کشور را دارم.	۰/۲۸	۰/۳۰	٪۱۰	۰/۴	۰/۸	۰
افرادی مثل من در تعیین یا تغییر امور سیاسی کشور نقش و مسئولیت دارند.	۰/۲۵	۰/۴	٪۱۲	۰/۳۱	۰/۷	۰/۱
آف‌قدر در زندگی خود گرفتارم که نمی‌توانم به سیاست فکر کنم.	۰/۱	۰/۲۵	٪۲۷	۰/۱۳	۰/۳۴	۰

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان، چندان علاقه‌ای به سیاست نشان نمی‌دهند. یکی از دلایل آن را باید در اعتماد سیاسی جستجو کرد. زیرا اعتماد سیاسی حلقه وصل افراد جامعه با نهادهایی است که می‌خواهند نماینده مردم در ساختار اجتماعی باشند. اعتماد سیاسی در اینجا ارتباط نزدیک با کارآمدی نمایندگان دارد و بیانگر درجه‌ای از انتظار شهروندان از توانایی و موفقیت آنان است. اعتماد سیاسی ارتباط خاصی به رفتار دستگاه‌های اجرایی و توجه آنان به خواسته و نیاز شهروندان است. در شهر شاهره مانند سایر شهرهای نوپا و تازه تأسیس میزان ارائه خدمات متناسب با نیاز شهروندان نیست. این

مقوله می تواند در پایین آوردن اعتماد سیاسی نقش مهمی داشته باشد. اما در یک معنای عام تر اعتماد سیاسی را می توان حالت ذهنی دانست که بر مبنای آن فرد در حیات مدنی و سیاسی خویش می تواند به گفته ها و اعمال دیگری اتکا کند و در آن رابطه مبتنی بر استثمار خود را نبیند. فردی که اعتماد می کند تعاون و همکاری با دیگران را احساس می کند و باور دارد که سایر بازیگران در زندگی سیاسی یار و مددکار او خواهند بود. در کل اعتماد سیاسی، میزان نگرش مثبت و حامیانه مردم نسبت به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی در جامعه است (Shayegan, 2008:67).

نقش عوامل انگیزشی در مشارکت انتخاباتی شهروندان شهر شاهو

در مشارکت در انتخابات علاوه بر منابعی که فرد در اختیار دارد و با دیگر افراد جامعه ممکن است متفاوت باشد، انگیزه های شرکت در امور سیاسی و انتخابات از قبیل احساس مسئولیت به کشور، احساس تکلیف شرعی، ادای دین به شهیدان، فشارهای محیط کار، بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم، رضایت از وضع موجود و تمایل به تداوم آن، مخالفت با جناح یا کاندیدای رقیب، و ... را باید مورد نظر قرار گیرد. عوامل انگیزشی مشارکت پاسخ دهندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهر شاهو و اطلاعات آماری آن برای درک بهتر موضوع در ادامه به آن پرداخته شده است (جدول ۴).

جدول ۴. عوامل انگیزشی مشارکت پاسخ دهندگان در انتخابات

عوامل انگیزشی	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	بی پاسخ
احساس مسئولیت نسبت به کشور	۰/۲۵	۰/۱۶	۰/۲۵	۰/۱۲	۰/۲۳
احساس تکلیف شرعی	۰/۲	۰/۷	۰/۲۱	۰/۴۸	۰/۲۳
ادای دین به شهیدان و خانواده آنها	۰/۲۴	۰/۲۵	۰/۲۸	۰/۶	۰/۱۷
فشارهای محیط کار	۰/۴	۰/۵	۰/۱۱	۰/۶۰	۰/۲۰
فشارهای خانواده و اقوام	۰/۱۰	۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۲۱
مهر خوردن شناسنامه	۰/۱	۰/۷	۰/۱۵	۰/۵۵	۰/۲۳
مخالفت با جناح یا کاندیدای رقیب	۰/۴۶	۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۶	۰/۲۰
تقویت انسجام ملی در مقابل دشمن	۰/۶	۰/۱۶	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۲۳
رضایت از وضعیت موجود و تمایل به تداوم آن	۰/۱	۰/۵	۰/۲۴	۰/۴۹	۰/۲۱
بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم	۰/۳۴	۰/۳۶	۰/۸	۰/۳	۰/۱۹
بهبود وضعیت و جایگاه ایران در عرصه بین المللی	۰/۵	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۲۴	۰/۲۳

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل انگیزشی اعلام شده از سوی پاسخ‌دهندگان برای مشارکت در انتخابات به ترتیب عبارتند از: مخالفت با جناح یا کاندیدای رقیب، بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم ادای دین به شهیدان و خانواده آنان و احساس مسئولیت نسبت به کشور است.

جدول ۵. ارتباط بین متغیرهای اصلی بر اساس فرمول کای اسکوئر و سطح معناداری آنها

ردیف	رابطه	جنس		شغل		تحصیلات		سن	
		χ^2	sig	χ^2	Sig	χ^2	Sig	χ^2	sig
۱	میزان علاقه به سیاست	۱۸,۴۴۹	۰,۰۰۲	۰,۰۷۷	۰,۰۰۰	۰,۰۰۲	۰,۰۰۲	۵۷,۳۷۴	۰,۰۶۰
۲	شرکت در انتخابات	۹,۲۵۰	۰,۰۰۲	۱۱,۳۰۶	۰,۱۲۶	۰,۰۲۳	۰,۰۲۳	۱۴,۶۶۸	۰,۰۵۰
۳	علت رای دادن	۲۷,۳۸۳	۰,۰۰۰	۷۶,۶۵۸	۰,۰۰۰	۰,۰۰۵	۰,۰۰۵	۵۶,۹۸۶	۰,۱۱۵
۴	علت رای ندادن	۹,۲۵۰	۰,۰۰۲	۱۱,۳۰۶	۰,۱۲۶	۰,۰۲۳	۰,۰۲۳	۱۴,۶۶۱	۰,۰۵۰
۵	میزان دینداری	۶,۹۰۰	۰,۱۴۱	۴۰,۰۴۳	۰,۰۶۶	۰,۴۵۲	۰,۴۵۲	۲۴,۱۶۰	۰,۰۶۷
۶	میزان فعالیت در گروه‌ها و انجمن‌ها	۱۰,۸۲۰	۰,۰۱۳	۴۸,۶۴۲	۰,۰۰۱	۰,۴۸۸	۰,۴۸۸	۱۷,۵۰۹	۰,۷۹۰
۷	اثر بخشی درونی یا کفایت سیاسی	۱,۱۲۸	۰,۵۶۹	۱۱,۵۹۵	۰,۶۳۹	۰,۵۶۸	۰,۵۶۸	۱۰,۵۵۳	۰,۷۰۱
۸	اعتماد سیاسی به دستگاه‌های اجرایی	۳,۰۱۷	۰,۲۲۱	۱۶,۳۴۴	۰,۲۹۳	۰,۵۵۹	۰,۵۵۹	۱۰,۶۵۲	۰,۱۹۰
۹	عوامل انگیزشی	۱۳,۸۷۷	۰,۰۰۳	۵۹,۰۱۴	۰,۰۰۰	۰,۰۰۴	۰,۰۰۴	۳۷,۵۵۵	۰,۰۶۷

نتایج جدول (۵) بیانگر خصوصیات زیر است:

عوامل انگیزشی مؤثر بر شرکت در انتخابات در مردان بیشتر از زنان می‌باشد که مردان بیشتر از زنان به سیاست و مسائل مربوط به آن، تمایل نشان می‌دهند. این عامل باعث شده به که شرکت در انتخابات تمایل بیشتری به کاندیدای مورد علاقه خود نشان دهند. و حتی در مواردی که زنان تمایل به شرکت در انتخابات را دارند به اصرار مردان برای رأی دادن به فرد مورد نظر شرکت کنند. با توجه به عدم فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در این شهر، و نیز عدم تمایل گروه‌ها و انجمن‌های مردم نهاد در فعالیت‌های سیاسی، بیش از ۷۰ درصد زنان و مردان راجع به کفایت سیاسی و توانایی خود و تصمیم‌گیری در مسائل سیاسی مردد بودند. همچنین، بیشتر مردان و زنان نسبت به اجرای عدالت و تحقق وعده‌ها توسط نماینده‌ها بی‌اعتماد هستند و معتقدند که بیشتر آنها جنبه تبلیغات و شعار دارد و هیچگاه محقق نخواهد شد.

رابطه معناداری بین شغل و سایر متغیرها نظیر: علاقه به سیاست، شرکت در انتخابات، رای ندادن، دینداری و کفایت، نمی توان یافت. اما بین شغل و متغیرهایی نظیر فعالیت، رأی دادن و انگیزش رابطه معنی داری وجود دارد؛ بدین صورت که فعالیت در گروه های شاغل در دستگاه های دولتی بیشتر از سایر گروه هاست. اما تمایل به رأی دادن افراد با شغل آزاد بیشتر به خاطر انتخاب کاندیدای مورد علاقه است. ولی کارمندان دولتی بیشتر با هدف انتخاب فردی شایسته در انتخابات شرکت می کنند. ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که عوامل انگیزشی مؤثر در ترغیب پاسخگویان به شرکت در انتخابات در میان این گروه (کارمندان دولت) بیشتر از سایر مشاغل است.

همچنین رابطه معناداری بین تحصیلات و علاقه به سیاست، شرکت در انتخابات و رأی دادن است؛ بدین معنی که افراد دارای مدرک دانشگاهی، رغبت بیشتری نسبت به سایر افراد دارند. هر چند عدم تمایل به شرکت در انتخابات بیشتر افراد با سطح تحصیل پایین تشکیل می دهند اما این عامل بیشتر به خاطر عدم اعتماد به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وعده های بدون عمل قبل انتخابات است. این در حالی است که مشارکت و یا عدم مشارکت آنها در انتخابات ارتباطی با مذهبی بودن آنها ندارد چرا اکثر پاسخگویان فارغ از وضعیت تحصیلی، خود را تا حد زیاد مذهبی ارزیابی کرده اند. اما عوامل انگیزش مؤثر در ترغیب پاسخگویان به شرکت در انتخابات در مقاطع پایین بیشتر از سایر گروه های تحصیلی است. مهمترین نتایج تحلیلی در در ارتباط با سن مردان پاسخگو نشان می دهد در بین افراد با سن پایین علاقه به سیاست در حد بالایی می باشد. اما با بالا رفتن سن، تمایل به شرکت در انتخابات کم می شود.

جدول ۶. ارتباط و همبستگی، دو به دو متغیرهای مهم در میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر شاهر

		علاقه به سیاست	میزان دینداری	فعالیت در گروهها	کفایت سیاسی	اعتماد سیاسی	عوامل انگیزشی
علاقه به سیاست	Pearson Correlation	۱	-.۰۳۸	.۱۱۸	-.۰۲۳۶*	-.۰۲۹۲**	-.۰۲۷۷**
	Sig. (2-tailed)		.۷۱۱	.۲۴۴	.۰۱۸	.۰۰۳	.۰۰۵
	N	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میزان دینداری	Pearson Correlation	-.۰۳۸	۱	.۰۷۴	.۰۲۶	-.۰۴۰-	-.۱۲۴-
	Sig. (2-tailed)	.۷۱۱		.۴۶۵	.۷۹۶	.۶۹۱	.۲۱۹
	N	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
فعالیت در گروه ها	Pearson Correlation	.۱۱۸	.۰۷۴	۱	.۱۷۳-	.۰۴۳	-.۰۲۸۶**
	Sig. (2-tailed)	.۲۴۴	.۴۶۵		.۰۷۹	.۶۷۳	.۰۰۴

ادامه جدول ۶

		علاقه به سیاست	میزان دینداری	فعالیت در گروهها	کفایت سیاسی	اعتماد سیاسی	عوامل انگیزشی
	N	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
کفایت سیاسی	Pearson Correlation	-.۲۳۳*	.۰۲۶	-.۱۷۶	۱	.۱۵۴	-.۱۴۲
	Sig. (2-tailed)	.۰۱۸	.۷۹۶	.۰۷۹		.۱۲۶	.۱۶۰
	N	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
اعتماد سیاسی	Pearson Correlation	-.۲۹۲**	-.۰۴۰	.۰۴۳	.۱۵۴	۱	-.۳۰۴**
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۳	.۹۶۱	.۶۷۳	.۱۲۶		.۰۰۲
	N	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
عوامل انگیزشی	Pearson Correlation	-.۲۷۷**	-.۱۲۴	-.۲۸۶**	-.۱۴۲	-.۳۰۴**	۱
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۵	.۲۱۹	.۰۰۴	.۱۶۰	.۰۰۲	
	N	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نتایج جدول (۶) بیانگر خصوصیات زیر است

رابطه علاقه به سیاست با سایر متغیرها نظیر میزان دینداری و کفایت سیاسی به صورت معکوس می‌باشد. بدین معنی که علاقه به مسایل سیاسی در بین افراد کمتر مذهبی و افرادی که کفایت سیاسی در خود احساس می‌کنند بیشتر از سایر افراد می‌باشد. اما با فعالیت در گروهها، اتحاد سیاسی و عوامل انگیزشی به صورت ضعیف و مستقیم است. بدین صورت که علاقه به مسایل سیاسی در افرادی که اعتماد سیاسی بالا و عوامل انگیزش بیشتری برای شرکت در انتخابات داشته باشند بیشتر از سایر افراد می‌باشد.

رابطه میزان دینداری با فعالیت در گروهها و کفایت سیاسی به صورت بسیار ضعیف و مستقیم، و در رابطه با؛ علاقه به اعتماد سیاسی و عوامل انگیزشی به صورت ضعیف و معکوس می‌باشد که نشانگر عدم ارتباط بین میزان دینداری و سایر متغیرهای مورد بررسی است.

رابطه اعتماد سیاسی با علاقه به فعالیت سیاسی در گروهها، کفایت سیاسی و عوامل انگیزشی به صورت مستقیم است اما در رابطه با میزان دینداری به صورت غیر مستقیم می‌باشد. بدین معنی که اعتماد سیاسی در بین افراد علاقمند به مسایل سیاسی و عوامل انگیزشی مؤثر در شرکت در انتخابات بیشتر و در بین افراد مذهبی کمتر می‌باشد به عبارت دیگر با افزایش میزان مذهبی بودن افراد اعتماد سیاسی آنها کاهش می‌یابد.

رابطه عوامل انگیزشی با علاقه به فعالیت سیاسی در گروه‌ها و اعتماد سیاسی به صورت مستقیم و در ارتباط با میزان دینداری و کفایت سیاسی به صورت غیرمستقیم می‌باشد. بدین معنی که عوامل انگیزشی مؤثر بر ترغیب پاسخگویان؛ با افزایش علاقه به مسائل سیاسی، افزایش مشارکت و فعالیت در گروه‌ها، و افزایش اعتماد سیاسی افزایش می‌یابد. هرچه افراد مذهبی‌تر بوده و در خود کفایت سیاسی را احساس کنند، عوامل انگیزشی مؤثر در انتخابات کمتر بوده است. ذکر این نکته ضروری است که کفایت سیاسی در افراد مذهبی و افرادی که اعتماد سیاسی بالایی داشته بیشتر و در افرادی که علاقه به سیاست داشته کمتر از سایر گروه‌هاست.

نتیجه‌گیری

انتخابات یکی از حوزه‌هایی است که مشارکت سیاسی در آن نمود عینی تری دارد. با افزایش آگاهی‌ها، ورود فضای مجازی، انقلاب در ارتباطات و اطلاعات، مشارکت در انتخابات شکل متفاوت تری نسبت به گذشته یافته است. با انداختن رأی در صندوق آراء فضای جغرافیایی - سیاسی شکل گرفته و قوانین، جغرافیا و نظم آن مشخص و تعیین می‌گردد. منطقه اورامانات همواره در انتخابات چندگانه ریاست جمهوری، مجلس نمایندگان، خبرگان رهبری، شورای شهر حضور و مشارکتی سیاسی گسترده‌ای داشته‌اند و جغرافیای سیاسی خود و کشور را تحت تأثیر قرار داده‌اند. هدف از تحقیق حاضر بررسی میزان انگیزش و مشارکت مردم شهر شاهرز از توابع منطقه اورامانات در انتخابات بود که منابع اجتماعی مشارکت از دیدگاه نورس مورد بررسی قرار گرفت. و نتیجه‌ای که از این تجزیه و تحلیل صورت گرفت این بود که؛ شهروندان شهر شاهرز علی‌رغم عدم وجود فعالیت گروه‌ها و انجمن‌ها در این شهر، تازه تأسیس بودن شهر و بافت سنتی آن در این انتخابات حضور حداکثری خواهند داشت؛ به طوریکه ۰/۷۵ شهروندان در پرسشنامه، به اینکه در این انتخابات حضور گرمی خواهند داشت، رأی دادند. نتایج میدانی حاصل از پرسشنامه بیانگر این است که اکثریت پاسخ‌دهندگان (حدود ۶۹ درصد)، خود را به انجام تکالیف و واجبات شرعی مکلف می‌دانند. نتایج حاصل از سنجش اثر بخشی سیاسی یا کفایت سیاسی شهروندان در انتخابات نشان دهنده این است که پاسخ‌دهندگان، چندان علاقه‌ای به سیاست نشان نمی‌دهند. یکی از دلایل آن را باید در اعتماد سیاسی جستجو کرد. زیرا اعتماد سیاسی حلقه وصل افراد جامعه با نهادهایی است که می‌خواهند نماینده مردم در ساختار اجتماعی باشند. در کل اعتماد سیاسی، میزان نگرش مثبت و حامیانه مردم نسبت به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی در جامعه است. در بررسی نقش

عوامل انگیزشی در مشارکت انتخاباتی شهروندان شهر شاهر، نتایج نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل انگیزشی اعلام شده از سوی پاسخ‌دهندگان برای مشارکت در انتخابات به ترتیب عبارتند از: مخالفت با جناح یا کاندیدای رقیب، بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم ادای دین به شهیدان و خانواده آنان و احساس مسئولیت نسبت به کشور است. در بررسی ارتباط بین متغیرهای اصلی بر اساس فرمول کای اسکوتر عوامل انگیزشی مؤثر بر شرکت در انتخابات در مردان بیشتر از زنان می‌باشد که مردان بیشتر از زنان به سیاست و مسائل مربوط به آن، تمایل نشان می‌دهند. با توجه به عدم فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در این شهر، و نیز عدم تمایل گروه‌ها و انجمن‌های مردم‌نهاد در فعالیت‌های سیاسی، بیش از ۷۰ درصد زنان و مردان راجع به کفایت سیاسی و توانایی خود و تصمیم‌گیری در مسائل سیاسی مردد بودند. رابطه معناداری بین شغل و سایر متغیرها نظیر: علاقه به سیاست، شرکت در انتخابات، رای‌دادن، دینداری و کفایت، نمی‌توان یافت. اما بین شغل و متغیرهایی نظیر فعالیت، رأی‌دادن و انگیزش رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ بدین صورت که فعالیت در گروه‌های شاغل در دستگاه‌های دولتی بیشتر از سایر گروه‌هاست. اما تمایل به رأی‌دادن افراد با شغل آزاد بیشتر به خاطر انتخاب کاندیدای مورد علاقه است. ولی کارمندان دولتی بیشتر با هدف انتخاب فردی شایسته در انتخابات شرکت می‌کنند. همچنین رابطه معنی‌داری بین تحصیلات و علاقه به سیاست، شرکت در انتخابات و رأی‌دادن است؛ هر چند عدم تمایل به شرکت در انتخابات بیشتر افراد با سطح تحصیل پایین تشکیل می‌دهند اما این عامل بیشتر به خاطر عدم اعتماد به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وعده‌های بدون عمل قبل انتخابات است. مهم‌ترین نتایج تحلیلی در ارتباط با سن مردان پاسخگو نشان می‌دهد در بین افراد با سن پایین علاقه به سیاست در حد بالایی می‌باشد. اما با بالا رفتن سن، تمایل به شرکت در انتخابات کم می‌شود. و در نهایت؛ بررسی ارتباط و همبستگی، دو به دو متغیرهای مهم در میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر شاهر نشان‌دهنده این است که، رابطه علاقه به سیاست با سایر متغیرها نظیر میزان دینداری و کفایت سیاسی به صورت معکوس می‌باشد. بدین معنی که علاقه به مسایل سیاسی در بین افراد کمتر مذهبی و افرادی که کفایت سیاسی در خود احساس می‌کنند بیشتر از سایر افراد می‌باشد. رابطه میزان دینداری با فعالیت در گروه‌ها و کفایت سیاسی به صورت بسیار ضعیف و مستقیم، و در رابطه با؛ علاقه به اعتماد سیاسی و عوامل انگیزشی به صورت ضعیف و معکوس می‌باشد که نشانگر عدم ارتباط بین میزان دینداری و سایر متغیرهای مورد بررسی است. رابطه اعتماد سیاسی با علاقه به فعالیت سیاسی در گروه‌ها، کفایت سیاسی و عوامل انگیزشی به صورت مستقیم

است اما در رابطه با میزان دینداری به صورت غیر مستقیم می باشد. و در نهایت رابطه عوامل انگیزشی با علاقه به فعالیت سیاسی در گروه ها و اعتماد سیاسی به صورت مستقیم و در ارتباط با میزان دینداری و کفایت سیاسی به صورت غیر مستقیم می باشد. می توان ادعا کرد، اگر چه عوامل انگیزشی، منابع و سیاست های مختلفی بر میزان مشارکت سیاسی شهر شاهر تأثیر گذار است. علما، روحانیون، ریش سفیدان، روابط قومی، احساس مسئولیت به کشور، احساس تکلیف شرعی، ادای دین به شهیدان، فشارهای محیط کار، بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم، رضایت از وضع موجود و تمایل به تداوم آن، مخالفت با جناح یا کاندیدای رقیب، اشتغال، مهر خوردن شناسنامه، تبلیغات و تحصیلات و درآمد تنها بخشی از این منابع و انگیزه ها هستند. گرچه با جهانی شدن و انقلاب ارتباطی دانش ما از سیاست دگرگون شده و آگاهی ها از اقصا نقاط جهان و کشور افزایش یافته است ولی سیاست زدگی رویکرد متضاد دیگری است که در منطقه مشاهده می شود و اغلب حضور و مشارکت چیزی فراتر از سیاست و برنامه های سیاسی به نظر می رسد و رأی مردم منطقه مبنای سستی - مذهبی بیشتری دارد. و در در نهایت اگر بخواهیم انتخابات در این بخش از ایران را از منظر رفتارشناسانه مورد ارزیابی قرار دهیم، نمی توانیم به طور مطلق بگویم که رفتار مردم در انتخابات، مختلف از کدامیک از مدل های فوق که در متن تحقیق ذکر گردید، پیروی کرده است. اما می توان گفت به میزانی که انتخاب مردم از روی آگاهی صورت گرفته، نتایج و ثمرات بهتری برای کشور داشته است.

کتابنامه

1. Abdullahi, H. & Abdullahi, Y. Z. (2001). Gender bias and citizenship rights to political participation in Nigeria: challenges for democratic consolidation and economic development, *Gender and Behaviour*, 9, 4189 - 4206.
2. Abdulmutallab, A. (2017). The Influence of Religious Components on Voting Behavior and Political Participation in the Islamic Republic. *Journal of Political Science*, 12(77). 54-32. [In Persian].
3. Akbari, H. Fakhari, R. (2017). The Role of Ethnicity in the Electoral Behavior of Multi-Ethnic Communities (Case Study: Bojnourd County). *Applied Sociology*, Twenty-Eighth Year, 66(2), 90-71. [In Persian].
4. Amini, S. (2015). Geographical Survey of Iran's Voting Pattern (Emphasis on Seventh to Eleventh Presidential Elections). *Quarterly Social Cultural Strategy*, 5(17), 59-79. [In Persian].
5. Attarzadeh, M. & Tavassoli, H. (2011). Analysis of Isfahan Citizens' Electoral Behavior (Before the 10th Parliamentary Elections). *Journal of Political and International Research*, 5, 173-173. [In Persian].

6. Baei, L. and Pishgahifard, Z. (2010). Analysis of the Iranian election Caselectorate Noshahr and Chalous The eighth elections in parliamentary, *Quarterly Journal of Research in Human Geography*, 1(3), 93-112. (In Persian).
7. Boix, C. and Stokes, S. (2009). *The Oxford Handbook of Comparative Politics*. Oxford, UK: Oxford University Press.
8. Darabi Ghaem, A. (2009). The Theoretical Foundations of Electoral Behavior in the Islamic Republic of Iran. *Journal of Communication Research, Research and Evaluation*, 16(1), 37-9. [In Persian].
9. Darabi, A. (2008). Sociology of Elections and Electoral Behavior in the Islamic Republic of Iran. *Journal of Political Studie*, No. 2, 68- 102. [In Persian].
10. Elamdari, I. Rasti, I. Ahmadi, S. A. (2016). Spatial Pattern of Presidential Election: A Case Study: The Tenth and Eleventh Riyas of South Khorasan Province. *Human Geography Research*, 48(4), 829 - 815). [In Persian].
11. Hoffman, A. and Dowd, R. (2008). *Religion Gender and Political Participation in Africa Lessons from Nigeria Senegal and Uganda De: Lessons from Nigeria, Senegal and Uganda*. Department of Political Science, University of Notre Dame.
12. Imam Jomezadeh, S, J. Rahbar Ghazi, M.R, Barzegar Ghazi, K. (2013). The Relationship between Religiousness and Electoral Behavior (Case Study of Tabriz University Students. *Journal of Soft Power Studies*, 3(8), 27-24. [In Persian].
13. Jafari Nejad, M. Babanasb, H. Rabiei, S. (2011). Analysis of Electoral Behavior (Case Study of the 10th Presidential Election in Harris County). *Journal of Political and International Research, Islamic Azad University, Shahreza Branch*, (7), 158-208. [In Persian].
14. Kalantari, S. (2001). Electoral Analysis of the Iranian People in the Seventh and Eighth Presidencies. *Journal of Political-Economics Information*, 167-168, 176-176. [In Persian].
15. Kaviani Rad, M. Gharabegi, M. (2016). Explaining the Relationship between "Ecology" and "Democracy" in Post-Structural Theory. *Journal of Space Planning and Preparation (Lecturer in Humanities)*, 20(2), 296-222. [In Persian].
16. KavianiRad, M. (2014). *Geography of Elections*, Tehran, Iran: kharazmi University Press. (In Persian).
17. Maleki, K. Marsousi, N. Pour Khodadad, B. Fathi, Heidari Far, A. Raouf, M.(2017). Measuring the Development of Ravansar Township Villages Using GIS. *Specialized Journal of Geography and Spatial Planning, fall, University of Isfahan*, 11(3), 12-28. [In Persian].
18. Martin, E. (2003). "Oxford Dictionary of Law", Oxford, UK: Oxford University Press.
19. Navabakhsh, M. . Farhadian, F. (2016). Analysis of the Electoral Participation of the People of Lorestan in the Presidential Election. *Quarterly Journal of Political Studies*, 9(34), 19-38. [In Persian].
20. Norris, P. (2002) *Theories of Political Activism: New challenges, new opportunities*, Oxford, UK: University Press.

21. O'Neill, B. (2014). *Gender, Religion, Social Capital and Political Participation*, Prepared for delivery at the Annual Meeting of the American Political Science Association.
22. Pahkideh, I. (2018). *Urban Health Development Planning with Emphasis on Adaptation of Urban Space to Specific Groups (Ravansar City Case Study)*. Payam Noor University Research Project. [In Persian].
23. Robert, E.D. & Hughes, J.A. (1986). *Political sociology Great Britia*. In John Willey & Sons.
24. Sadeghi Jekha, S. (2015). Investigating Social Factors Affecting Iranian Electoral Behavior. *Strategic Studies Quarterly*, 18(3), 118-90. [In Persian].
25. Saeedi, M.R. (2003). *An Introduction to Public Participation and Non-Governmental Organizations*. Tehran, Iran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications and Publications. [In Persian].
26. Safari Shall, R. (2013). Investigating Iranian Voters' Behavior in Parliamentary Elections. *Strategic Studies Quarterly*, 18(3), 138-120. [In Persian].
27. Shayegan, F. (2008). Investigating Factors Affecting Political Trust. *Political Science Quarterly*, 4(1), 7. [In Persian].
28. Taylor, J. (2007). *Electoral Geography*. Zahra Pishahi Fard's translation, Tehran, Iran: Qomes Publishing. [In Persian].
29. Weiner, M. (1971). *Political Participation in Crises and Sequences in Political Development*, Princeton, Princeton.
30. Zarqani, S.H, Badakhshan, M. (2017). Analyzing the Variable Role of Neighborhood and Religion in the Voting Pattern of the Tenth Parliamentary Election Candidates (Qaenat and Zirkuh Electoral District). *Journal of Political Geography Research*, 2(3). 106–126. [In Persian].
31. Ziba Kalam, S. Muqtada, M. (2014). Political Parties and Its Role in Iranian Political Development: A Case Study of Elections. *Quarterly Journal of Political Science*, 10(29), 7–28. [In Persian].